

بررسی تطبیقی پیشگیری از فساد اقتصادی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

میثم سعیدی^۱

چکیده

فساد اقتصادی را می‌توان جزو اشکال نوین بزهکاری محسوب کرد. جامعه بین‌المللی بیش‌ترین تلاش خود را از اوایل دهه ۱۹۹۰ با تصویب کنوانسیون‌های مختلف معطوف آن نموده و اهمیت مبارزه با آن را به دولت‌ها یادآوری کرده است. کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد که در ۱۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ به موجب قطعنامه ۵۸/۴ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و به عنوان کنوانسیون مریدا معروف است از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در این رابطه است. در حقوق داخلی مقررات مختلفی در جهت تعریف و مبارزه با مصادیق فساد اقتصادی از جمله تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵ که بر جرائم علیه حقوق مالی دولت اشاره نموده و آئین‌نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۵/۹/۱ وجود دارد. با این حال بررسی‌های مقایسه‌ای و استفاده از تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که پیشگیری از فساد اقتصادی مستلزم استفاده از سازوکارهای تقنینی و اجرایی در کنار استفاده از رسانه‌ها به منظور آموزش‌های همگانی می‌باشد.

واژگان کلیدی: فساد اقتصادی، کنوانسیون ضد فساد ملل متحد، حقوق کیفری اقتصادی، پیشگیری، مراجع نظارتی

مقدمه

فساد اقتصادی با توجه به آثار و پیامدهای بسیار مخرب آن از جمله ایجاد اخلاق و بی ثباتی در نظام اقتصادی و سیاسی در سال‌های اخیر توجه جامعه جهانی را به خود جلب کرده و مجامع و گروه‌های بین‌المللی را به تلاش جهت مقابله با این پدیده وادار نموده است. پیشگیری از فساد اقتصادی با رعایت اخلاق و رفتار حرفه‌ای که در سال‌های اخیر مورد توجه خاص قرار گرفته و نیز پیشگیری‌های وضعی-فنی در کنار پیشگیری‌های اجتماعی نقش مثبتی در کاهش وقوع این جرایم ایفا می‌کند. بنابراین ضروری است تا در جهت تقویت این راهکارها، قوانین و مقررات متناسب تدوین و اجرا شود، نظارت‌های مؤثری بر این فرآیند انجام گیرد و نهاد یا نهادهای مستقلی جهت پیشگیری و مقابله با این پدیده ایجاد گردد.

جرایم اقتصادی که تبلور حقوقی فساد اقتصادی در گروه‌ها و مجامع بین‌المللی و در سطح دانشگاهی هستند، کم‌تر مورد تعریف قرار گرفته است، جهت روشن شدن مفهوم آن به ذکر مصادیق اکتفا گردیده است.

فساد اقتصادی از لحاظ حقوقی به نوعی در قلمرو کیفری حقوق اقتصادی قرار می‌گیرد. «حقوق کیفری اقتصادی شامل تقلب‌های مالیاتی، تقلب‌های غذایی، جرایم ارتكابی در مورد تأسیس شرکت‌های تجاری، اداره یا تصفیه شرکت‌ها و... می‌گردد» (آنسل، ۱۳۷۵: ۱۱۹) و حقوق دانان آن را چنین تعریف کرده‌اند:

«شاخه‌ای از حقوق جزای اختصاصی است درباره ماهیت و طبع قضایی و عناصر اختصاصی فعالیت‌های اقتصادی متقلبانه و غیر مجاز اشخاص حقیقی و حقوقی مصرح در قانون که به قصد ثروت اندوزی و صدمه زدن به منافع عمومی و اخلاق در نظام اقتصادی کشور صورت می‌گیرد» (ولیدی، ۱۳۸۶: ۳۸).

در تعریفی دیگر آمده است: «مفاسد اقتصادی به جرائمی گفته می‌شود که باعث ایجاد اخلاق در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان گردیده و با خارج کردن این امور از مجرای صحیح خود موجب از بین بردن عدالت اجتماعی و افزایش فاصله طبقاتی و سلب اعتماد عمومی از نظام و افزایش محرومیت و فقر توده کثیری از مردم در اثر تکاثر ثروت عده قلیلی می‌شود که به جهت برخوردار بودن از امکانات نامشروع اقتصادی و بعضاً قدرت سیاسی و امکان برقراری ارتباطی خاص با مسئولین مراکز تصمیم گیرنده اقتصادی و بهره‌مندی و دسترسی سریع به این قبیل اطلاعات و به دست آوردن فرصت‌های غیرقانونی و غیر اخلاقی در سوء استفاده از رانت‌های اطلاعاتی و بهره‌مندی از خلاءهای قانونی مرتکب می‌شوند» (فراهانی، ۱۳۸۴: ۱۳). این تعریف به نظر جامع می‌رسد و می‌توان تنها ایراد آن را موجز نبودنش دانست. کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد که در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ به موجب قطعنامه ۴/۵۸ به تصویب

مجمع عمومی سازمان ملل رسید و به عنوان کنوانسیون مریدا معروف است، به جای ارایه یک تعریف از فساد اقتصادی در فصل سوم این کنوانسیون به ذکر مصادیقی از آن پرداخته و تعیین چارچوب دقیق هر یک از این مصادیق را به کشورهای عضو سپرده است. از جمله مصادیقی که در این کنوانسیون ذکر شده‌اند می‌توان از رشوه (ماده ۱۵)، انجام تجارت با استفاده از نفوذ (ماده ۱۸)، سوء استفاده از موقعیت شغلی (ماده ۱۹) نام برد. در کنوانسیون پالرمو نیز تعریف حقوقی از فساد مالی ارایه نشده ولی مصادیق آن در ماده ۸ این کنوانسیون ذکر گردیده‌اند که از مهم‌ترین جنایات سازمان یافته فراملی تلقی می‌شوند.

شورای اروپا در ۱۹۸۱ به ضمیمه توصیه نامه ۱۲(۸۱) خود با بیان مشکل تعریف دقیق جرم اقتصادی، فهرستی از جرایم اقتصادی را بیان نموده است. جرائم مورد اشاره در این توصیه نامه به شرح ذیل می‌باشد.

«فعالیت‌های متقابلانه و سوء استفاده از وضعیت اقتصادی به وسیله شرکت‌های چند ملیتی، دستیابی یا سوء استفاده از امتیاز اعطایی دولت یا سازمان‌های بین‌المللی جرم رایانه‌ای، تأسیس شرکت‌های جعلی، تقلب مربوط به موقعیت تجاری، نقض استانداردهای امنیتی و سلامتی مربوط به کارمندان به وسیله شرکت، تقلب علیه مصرف‌کنندگان (به ویژه تحریف و اظهارات گمراه‌کننده در خصوص کالاها)، جرایم علیه سلامت عمومی، سوء استفاده از ضعف مصرف‌کننده یا بی‌تجربگی وی، رقابت ناعادلانه، جرائم گمرکی، جرائم مربوط به مقررات مالی و پولی، جرائم علیه محیط زیست»^۱. در حقوق داخلی، صرف نظر از عدم وجود عنوان جرم اقتصادی، با ملاحظه قوانینی که به نوعی بیانگر جرایم اقتصادی می‌باشند، به ویژه تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵ که بر جرایم علیه حقوق مالی دولت اشاره نموده و در زمینه تصویب آن، می‌توان گفت جرایمی نظیر اختلاس، ارتشاء، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، سوء استفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یادگیری، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز جزء جرایم اقتصادی در حقوق داخلی به شمار می‌روند.

برخی اعتقاد دارند که «هیچ تعریف دقیقی از فساد مالی نمی‌توان یافت که همه گونه‌ها و درجات آن را در بر گیرد یا شامل تمام اعمالی باشد که در همه نظام‌های قضایی عوامل تشکیل‌دهنده فساد محسوب شوند» (رهبر و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۵)

کنوانسیون حقوق مدنی در خصوص فساد مصوب ۱۹۹۹ شورای اروپا نیز همانند سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی از ارایه تعریف فساد خودداری نموده است و تنها به ذکر مصادیق فساد اکتفا کرده است.

1. Council of Europe Committee of Ministers: Recommendation R (81) 12 of Committee of Ministers of member states on economic crime. www.coe.int.

«فساد عمدتاً در دو سطح صورت می‌گیرد: سطح اول فسادی است که عمدتاً با نخبگان سیاسی مرتبط بوده و کارمندان عالی رتبه و مقامات ارشد دولت‌ها درگیر این نوع فساد می‌باشند. احزاب سیاسی در این نوع از مفاسد درگیر بوده و زد و بندهای سیاسی همزاد این نوع فسادها محسوب می‌شوند. این نوع فساد که توسط افراد و مقامات رده بالای اداری، به صورت «باندی و با ارقام هنگفت صورت می‌گیرد و مجرمان پر قدرت و ثروتمند آن کم‌تر تحت تعقیب قرار می‌گیرند؛ فساد کلان نامیده می‌شود» (گسترش فساد مالی و اقتصادی و روش‌های مبارزه با آن، معاونت طرح و بررسی‌های استراتژیک، گروه بررسی‌های اقتصادی، انتشارات موسسه تدبیر اقتصاد، جلد اول ۱۳۸۰: ۲۵).

نخستین بار موضوع جرایم سازمان یافته اقتصادی در سال ۱۹۷۵ در بخش پیگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت و در پنجمین کنگره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان ملل متحد، جرم سازمان یافته به عنوان «تجارت» در سطح ملی و بین‌المللی مورد بررسی واقع شد. همچنین بحث جرم سازمان یافته، ارتشاء و فساد مالی (به عنوان برخی اشکال جرایم اقتصادی) در کنگره ششم سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم مطرح شد و این جرایم، در هفتمین کنگره پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۱۹۸۵) تحت عنوان «اشکال نوین بزهکاری در بستر و فضای توسعه، چالشی برای آینده» مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت.

در همین زمان‌ها و به ویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، علاوه بر سازمان ملل متحد، دیگر گروه‌ها و مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای نیز، تلاش خود را جهت توجه جامعه بین‌الملل و جرم‌انگاری برخی مصادیق اعمال نامشروع اقتصادی به ویژه فساد مالی و پول شویی، معطوف داشتند از جمله: کنوانسیون آمریکایی علیه فساد مصوب ۲۹ مارس ۱۹۹۶ (لازم الاجرا شده در ۲۰ مارس ۱۹۹۷)، کنوانسیون‌های حقوق کیفری و مدنی راجع به فساد مصوب ۱۹۹۹ شورای اروپا و پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کیفری راجع به فساد مصوب ۲۰۰۳ شورای اروپا، کنوانسیون راجع به مبارزه با ارتشاء کارگزاران عمومی خارجی در معاملات تجاری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۷ شورای همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) که از ۱۵ فوریه ۱۹۹۹ به مرحله اجرا درآمده است، و اولین سند بین‌المللی جهت جرم‌انگاری فساد مالی مقام‌های دولتی خارجی است، کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (کنوانسیون پالرمو) مصوب ۲۰۰۰، کنوانسیون آفریقایی در خصوص پیگیری و مبارزه با فساد مصوب ۱۱ جولای ۲۰۰۲ (که در ۵ آگوست ۲۰۰۶ لازم الاجرا گردیده است).

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد به عنوان اولین سند جامع بین‌المللی که به طور خاص به مقوله فساد می‌پردازد. بر اساس قطعنامه ۵۸/۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

در شهر مریدی مکزیک تصویب گردید. جمهوری اسلامی ایران در نهم دسامبر ۲۰۰۳ این سند را امضاء نمود و با تصویب قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون توسط مجلس شورای اسلامی و متعاقباً با تصویب مجمع تشخیص مصلحت در مهر ماه ۱۳۸۷ رسماً به کنوانسیون مذکور پیوست.

ماده یک کنوانسیون اهداف آن را عبارت می‌داند از: الف: ارتقاء و تحکیم اقدامات، جهت پیشگیری و مبارزه مؤثرتر و کارا تر با فساد. ب: ارتقاء، تسهیل و حمایت از همکاری‌های بین‌المللی و کمک‌های فنی در زمینه ی پیشگیری و مبارزه با فساد از جمله استرداد اموال. پ: ترغیب سلامت، پاسخ‌گویی و مدیریت مناسب امور و اموال دولتی.

کنوانسیون از دولت‌های عضو می‌خواهد تا در صورتی که پیش‌تر در حقوق داخلی آن‌ها پیش‌بینی مقرر نشده است، برای پوشش دادن اعمال و اقدامات فاسد جرایم و تخلفاتی را جرم‌انگاری کنند. جرم‌انگاری برخی از اعمال، مطابق کنوانسیون الزامی و مستلزم آن است که دولت‌های عضو به برقراری سایر جرایم توجه کنند. این کنوانسیون علاوه بر اشکال اصلی فساد از قبیل ارتشاء و اختلاس به اعمالی که در پشتیبانی از فساد، ممانعت از اجرای عدالت، دلالتی نفوذ و اخفا یا پول‌شویی عواید ناشی از فساد، ارتکاب می‌یابند نیز می‌پردازد (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ترجمه حمید بهره‌مند بگ نظر، «رهنمودهای تقنینی جهت اجرای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد»، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۱۸).

در چارچوب جرم‌شناسی پیشگیری، پیشگیری‌های اولیه و ثانویه قرار دارند. پیشگیری اولیه (نخستین) شامل اقدام‌هایی می‌شود که متمایل به تغییر اوضاع و احوال و شرایط جرم‌زای محیط فیزیکی و محیط اجتماعی است (یعنی بهبود شرایط زندگی). پیشگیری ثانویه (دومین) نیز شامل اقدام‌های پیشگیرنده‌ای می‌شود که ناظر بر گروه‌های خاص است که بیم ارتکاب جرم از سوی اعضای آن‌ها می‌رود. به عبارت دیگر مخاطب این اقدام‌ها، یک گروه یا جمعیت خاصی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵: ۲۵).

امروزه «پیشگیری غیر کیفری را در یک دسته بندی رایج و کلاسیک، به پیشگیری اجتماعی که بیش‌تر با تأمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم در سطح جامعه محقق می‌شود و پیشگیری وضعی که باید با رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی مردم به اجرا گذاشته شود تا جنبه عادلانه و منصفانه به خود بگیرد تقسیم کرده‌اند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۶۹).

«پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدام‌هایی است که مهار عوامل اثرگذار در شکل‌گیری جرم را دنبال می‌کنند و هدف آن تقویت بنیادهایی است که با اثرگذاری بر گروه‌های در آستانه خطر، به جامعه پذیری فرد کمک می‌کند. به دیگر سخن پیشگیری اجتماعی به دنبال ساختن فرد یا قواعد

اجتماعی از رهگذر آموزش و پرورش است» (رایجان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۴۹). «اصطلاح پیشگیری وضعی نیز یک نوآوری انگلیسی است که رونالد کلارک و تنی چند از همکاران او در دهه ۱۹۸۰ به نوشته‌های جرم‌شناسی و علوم جنایی وارد کرده‌اند» (صفاری، ۱۳۸۰: ۱۵۶).

سؤالاتی که در این مقاله سعی بر پاسخ دهی به آن شده است به قرار زیر هستند:

- ۱- پیشگیری از بروز فساد و مصادیق آن در اسناد بین‌المللی و مقررات ایران چیست و آیا رعایت مقررات اخلاق و رفتار حرفه‌ای در پیشگیری از جرائم اقتصادی نقش دارد؟
- ۲- آیا پیشگیری وضعی-فنی از جرائم اقتصادی نقش مثبتی در کاهش جرائم اقتصادی ایفا می‌نماید؟

۳- کدام گونه از گونه‌های پیشگیری در کاهش جرائم اقتصادی نقش موثرتری دارد؟

۴- آیا در ایران بسترهای قانونی-اجرایی برای پیشگیری از جرائم اقتصادی وجود دارد؟

فرضیات:

۱- پیشگیری از جرائم اقتصادی از گذر رعایت اخلاق و رفتار حرفه‌ای نتیجه اثر بخشی در پیشگیری از جرایم اقتصادی دارد.

۲- پیشگیری وضعی-فنی از جرائم اقتصادی نقش مؤثری در کاهش جرائم اقتصادی دارد.

۳- هر دو نوع اقدامات پیشگیرانه اجتماعی و وضعی-فنی در کار یکدیگر در کاهش جرائم اقتصادی مؤثراند.

۴- به رغم توجه بیش‌تر به پیشگیری از فساد، در سال‌های اخیر در کشور، هنوز بسترهای قانونی-اجرایی برای پیشگیری از جرائم مختلف اقتصادی وجود ندارد.

با توجه به گسترده و پیچیده تر شدن فساد اقتصادی که نظام اقتصادی و به دنبال آن امنیت ملی کشورها را به مخاطره می‌اندازد؛ جامعه جهانی نیز با توجه خاص به این مهم تلاش‌های گسترده‌ای را در دهه‌های اخیر جهت مقابله پیشگیری از آن انجام داده است و در حقوق داخلی نیز، پس از فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۰ و هشدار به مسئولان نظام در خصوص مفاسد اقتصادی، توجه بیش‌تری به موضوع جرائم اقتصادی و پیشگیری از آن‌ها شده است، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نیز اجرایی کردن سیاست‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی است. در این راستا این مقاله اهداف زیر را دنبال می‌نماید:

۱- تبیین جایگاه روش‌های پیشگیری از جرائم اقتصادی، محدودیت‌ها و مزایای هر روش.

۲- ارائه راهکارهای مختلف جهت پیشگیری از جرائم اقتصادی.

۳- بررسی اسناد بین‌المللی مربوطه جهت شناخت بهتر تدابیر پیشگیرانه از جرائم اقتصادی.

تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و ابزارهای گردآوری اطلاعات

برای آن مراجعه به کتب و مقالات تخصصی، قوانین، آیین نامه‌ها، طرح‌ها و لوایح در دست بررسی و اسناد بین‌المللی می‌باشد.

در این تحقیق که به پیشگیری از جرایم اقتصادی می‌پردازد، منظور از اقدامات پیشگیرانه، با توجه به مطالب پیش گفته، پیشگیری‌های غیر کیفری می‌باشد. با توجه به بحث نسبتاً جدید پیشگیری از گذر، رعایت اخلاق و رفتار حرفه‌ای و توجه روزافزون به آن که خود می‌تواند در قلمرو پیشگیری اجتماعی و وضعی قرار گیرد، یک بخش را به این موضوع اختصاص داده و جهت جلوگیری از افزایش حجم تحقیق و نیز وجود سابقه تحقیق (معصومی، ۱۳۸۴: ۶۷). از پیشگیری اجتماعی و ذکر تمام مصادیق آن اجتناب گردیده است. در این فصل با توجه به این که برخی اقدامات پیشگیری در بخش عمومی و دولتی مصداق می‌یابد و برخی دیگر در هر دو بخش عمومی و خصوصی اعمال می‌گردد، تفکیک بین آن‌ها در دو فصل صورت گرفته است. در فصل دوم نیز به پیشگیری وضعی - فنی از جرایم اقتصادی از منظر ساز و کارهای اجرایی در فصل اول و از منظر ساز و کارهای تقنینی - نظارتی در بخش دوم پرداخته شده است.

۱. پیشگیری‌های بخش عمومی و خصوصی

کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد در ماده پنج خود از دولت‌های عضو می‌خواهد تا سیاست‌های مؤثری را برای پیشگیری از فساد اتخاذ کنند و یک فصل کامل را با اقدامات متنوعی که هم به بخش عمومی و هم بخش خصوصی مرتبط می‌شود، به این مسأله اختصاص داده است. دامنه این اقدامات از ترتیبات نهادی مثل تأسیس یک نهاد ویژه مبارزه با فساد گرفته، تا کدهای رفتاری و سیاست‌های ارتقاءدهنده حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، شفاف سازی، مسئولیت پذیری را شامل می‌شود.

کنوانسیون به طرز چشمگیری با دعوت از هر یک از دولت‌های عضو به تشویق فعال جامعه مدنی و آگاهی عمومی از مشکلات فساد، بر نقش مهم کل جامعه از جمله سازمان‌های غیردولتی و ابتکارات جوامع تأکید می‌ورزد.

در این میان نقش رهبران سیاسی، مقامات کشوری و پایبندی آنان به اصول رفتاری حائز اهمیت می‌باشد. «اگر عموم مردم به این نتیجه برسند که مقامات و مراجع عمومی پایبند به ضوابط کاری خود نیستند؛ کم‌تر به قوانین جامعه احترام می‌گذارند. در چنین شرایطی تأکید بر حاکمیت قانون و مقابله مستقیم تر با فساد در عالی‌ترین سطوح اهمیت زیادی دارد؛ چرا که این وضعیت یکی از دلایل اصلی تزلزل حاکمیت قانون است» (پاتی افوسو و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۱).

۱. ماده ۷ لایحه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد که هم اکنون پس از ایراد شورای نگهبان تحت بررسی مجدد می‌باشد، دولت را موظف نموده است ظرف مدت ۶ ماه پس از تصویب، نسبت به تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای کارگزاران اقدام نماید. این امر خود یکی از دلایل اختصاص یک بخش در این تحقیق جهت بررسی موضوع و ابعاد آن می‌باشد.

در سطح بین‌المللی و جهت تثبیت حاکمیت قانون کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری تصویب قطعنامه ۵۱/۵۹ را تحت عنوان اقدام علیه ارتشاء به عنوان نتیجه نهایی و نقطه اوج کار اجلاسیه در سیاق برنامه هفت ساله کمیسیون از مجمع عمومی درخواست نمود. قطعنامه مذکور که در ۱۹۹۶ از تصویب مجمع عمومی گذشت، دربرگیرنده مجموعه مقررات بین‌المللی رفتار مأموران عمومی بود که به موجب آن اصولی که دولت‌های عضو می‌توانستند به عنوان ابزاری در جهت سوق دادن اقدامات و تلاش‌هایشان در مبارزه با فساد مالی به کار گیرند، مقرر گردید. (<http://unpan1.un.org/intradoc/croups/public/documents/un/unpanolo.930.pdf>).

شورای اروپا یکی از نهادهایی است که بیش‌ترین توجه را به موضوع رعایت مجموعه مقررات رفتاری و اخلاقی در مصوبات خود داشته است. از جمله می‌توان به اصول رهنمودی ۲۰ گانه، برای مبارزه علیه فساد مصوب ۶ نوامبر ۱۹۹۷ کمیته وزرا، توصیه (۱۰) ۲۰۰۰ کمیته وزرا برای دولت‌های عضو در خصوص مجموعه مقررات رفتاری کارگزاران عمومی مصوب ۱۱ می ۲۰۰۰ و ضمیمه آن توصیه (۳) ۲۰۰۰ کمیته وزرا برای دولت‌های عضو در خصوص مقررات علیه فساد راجع به هزینه‌های احزاب سیاسی و مبارزات انتخابی مصوب ۸ آوریل ۲۰۰۳ و ضمیمه آن اشاره کرد.

در ایران برخی سازمان‌های مرتبط و درگیر با فساد به طور خاص آیین‌نامه‌های رفتاری برای کارکنان تدوین نموده‌اند که در این میان می‌توان به آیین‌نامه حرفه‌ای مصوب سازمان حسابرسی و یا گمرک اشاره نمود. در این بخش ضمن تقسیم‌بندی و تفکیک موضوع قواعد اخلاقی و اخلاقی مشترک بین بخش عمومی و خصوصی و قواعد اخلاقی و رفتاری مختص به بخش عمومی به بررسی هریک می‌پردازیم.^۱

الف) پیشگیری‌های مشترک

یکی از پیش‌نیازهای لازم برای ایجاد ادارات دولتی کارآمد و مطمئن، شایستگی کارکنان است. ماده هفت کنوانسیون مبارزه با فساد ملل متحد مقرر می‌دارد: "کشورهای عضو تلاش خواهند نمود تا نظام‌هایی را با ویژگی‌های زیر جهت استخدام، به کارگیری، حفظ، ارتقاء و بازنشستگی کارمندان و در صورت اقتضا، سایر مقامات دولتی غیر منتخب اتخاذ، حفظ و تحکیم بخشند:

الف) بر اساس اصول کارایی، شفافیت و معیارهای هدفمند مثل: شایستگی، برابری و استعداد.
ب) شامل مراحل کافی جهت گزینش و آموزش افراد برای مقام‌های دولتی که به ویژه در برابر

۱. برخی نمونه‌های طرح‌های ملی ضدفساد عبارتند از: ارمنستان، راهبرد و طرح اجرایی مبارزه با فساد، مونته‌نگرو، اصلاح نظام اداری، نیجریه، طرح اجرایی تقویت سلامت و توانایی قضایی در ایالت لاگوس و طرح اجرایی سلامت و توانایی قضایی در ایالت بورنو، جمهوری مولداوی، راهبرد ملی پیشگیری از فساد، رومانی، راهبرد ملی ضد فساد ۲۰۰۷-۲۰۰۵، طرح اجرایی اجرای راهبرد ملی ضدفساد و راهبرد اصلاح نظام قضایی (جهت ملاحظه جزئیات این طرح‌ها رجوع کنید به www.undoc.org).

فساد آسیب پذیر هستند و در صورت اقتضا چرخش کاری چنین افرادی برای مشاغل دیگر باشند.....»
 «در شرکت‌ها، افراد مسؤول کنترل باید به دقت مراقب خلأهای مربوط به تقسیم صلاحیت‌ها، ارزیابی و بررسی‌های مستقل و نیز ساز و کار مجوزها باشند. در جهت پیشگیری از فساد در بدو استخدام نیروهای جدید در شرکت‌ها، کارفرمایان باید سوابق و شرح حال متقاضیان استخدام و نواقص آن را به دقت بررسی کنند و از آن‌ها تقاضا کنند فرم‌های استخدام را تکمیل و به همراه چند توصیه نامه، تحویل دهند. در نهایت برای اجتناب از به کارگیری نیروهای نامطلوب، می‌توان از متقاضیان، تست‌های روان‌سنجی گرفت» (بجرو و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۳).

۱) شایستگی در انتصاب و ارتقاء

ضروری است دولت نسبت به تدوین طرح جامع توسعه منابع انسانی و مدیریت نیروی انسانی بخش دولتی با رویکرد جذب نخبگان و توسعه فضای رقابتی اقدام نماید و یا قانون استخدام کشوری (ماده ۳۲) که مقرر می‌دارد انتصابات و ترفیعات باید براساس شایستگی، لیاقت، کاردانی و استعداد و رشد فکری و تجارب آن‌ها در مشاغل قبلی باشد، پایبند به این اصول باشد.

همچنین تصدی بیش از یک شغل دولتی از جانب یک شخص خود می‌تواند یکی از عوامل فساد باشد؛ به همین لحاظ می‌توان اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی جزو شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است؛» را یکی از اصول قانون اساسی جهت شایسته‌سالاری و جلوگیری از فساد دانست.

۲) عدم استفاده ناروا از اطلاعات و اسناد به نفع خود یا دیگری

کنوانسیون آمریکایی علیه فساد مصوب ۱۹۹۶ در ماده ۱۱ خود، دولت‌های عضو را به جرم انگاری استفاده ناصحیح کارگزار حکومتی از هر نوع اطلاعات طبقه‌بندی شده یا محرمانه که فرد در راستای فعالیت عمومی و به لحاظ اجرای وظایفش به دست آورده است ترغیب می‌نماید. طبق ماده ۲۲ از ضمیمه توصیه (۱۰) ۲۰۰۰ شورای اروپا تحت عنوان مدل مقررات رفتاری برای کارگزاری عمومی، کارگزار عمومی تنها اطلاعات محفوظ را باید مطابق مقررات و به اشخاص واجد صلاحیت آشکار کند و تلاش خود را برای حمایت از امنیت و محرمانگی اطلاعاتی که مسؤول حفظ آن می‌باشد به کار گیرد و از اطلاعات به دست آمده ناشی از وظایف شغلی، نباید استفاده ناروا کند.^۱

۱. همچنین ن‌ک: ماده ۱۱ کنوانسیون آمریکایی علیه فساد و ماده ۲۲ کد رفتاری برای کارگزاران عمومی مصوب ۲۰۰۰

این مسأله به کارگزاران عمومی که قبلاً به مناسبت شغل و وظیفه خود به اطلاعات محرمانه دست یافته اند نیز تسری یافته است و بند ۴ ماده ۲۸ توصیه فوق استفاده یا آشکار نمودن چنین اطلاعاتی توسط کارگزاران قبلی را منع نموده است. اطلاعاتی که به موجب قوانین خاص جهت هدف خاصی از جمله پیشگیری یا مبارزه با فساد مالی به دست می‌آید نیز نباید در غیر آن هدف به کار رود مگر با رضایت طرف مورد درخواست این موضوع در ماده ۱۷ کنوانسیون اتحادیه آفریقایی در خصوص پیشگیری و مبارزه با فساد مصوب ۲۰۰۳ مورد تأکید قرار گرفته شده است. در حقوق داخلی همان گونه که در ماده ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سرری دولتی اشاره گردید. مسأله استفاده ناروا به نفع خود یا دیگری به طور صریح مورد اشاره قرار نگرفته، لیکن با توجه کلیت ماده و اطلاق آن افشاء یا انتشار اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده چه با سوء نیت، به قصد استفاده جهت نفع شخصی یا دیگری و چه بدون این قصد مشمول ماده فوق قرار خواهد گرفت.

۳) گزارش دهی

بند ۴ ماده ۷ کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد که کشورهای عضو بر اساس اصول بنیادین حقوق داخلی خود تلاش خواهند کرد تا نظام‌هایی که شفافیت را ارتقاء می‌دهد و از تعارض منافع جلوگیری می‌کند، اتخاذ و حفظ و تحکیم نماید.

به رسمیت شناختن حق دسترسی به اطلاعات از جانب نظام دولتی که می‌بایست به صورت کارآمد در اسناد قانونی منعکس گردد از آن جهت اهمیت دارد که جامعه همواره دسترسی به اطلاعات را به عنوان حق مشروع و قانونی برای خود مفروض می‌داند و در مواردی که از آن منع شده باشد امکان اعتراض و بازخواست ممانعت کنندگان از دست‌یابی به حق خود را محفوظ می‌داند. در صورت عدم پذیرش این حق از سوی حکومت، جامعه در امر نظارت بر عملکرد دستگاه‌های دولتی و اجرایی با چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌شود چرا که نظام دولتی خود را موظف به پاسخ‌گویی نمی‌داند و جامعه نیز مستمسک قانونی برای اطلاع از نحوه فعالیت نظام دولتی نمی‌یابد که در نتیجه پتانسیل ارتکاب فساد افزایش می‌یابد و زمینه پیشگیری از آن نیز به شدت تضعیف می‌شود.

ماده ۱۰ کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد از کشورهای عضو خواسته است تا تدابیر لازم در جهت بالا بردن شفافیت در مدیریت تشکیلات دولتی و نحوه اجرای وظایف و تصمیم‌گیری‌ها مشتمل بر تصویب آئین‌نامه یا مقرراتی به منظور ممکن ساختن مراجع مستقیم آحاد مردم، در صورت اقتضا، به اطلاعات مربوط به روند سازماندهی اجرای وظایف و تصمیم‌گیری‌های تشکیلات دولتی و نیز تصمیمات و اقدامات قانونی مربوط به مردم را با رعایت

کامل حفظ اسرار و اطلاعات شخصی و نیز حذف تشریفات اداری در صورت اقتضاء، به منظور تسهیل دسترسی مردم به مقامات صلاحیت دار تصمیم گیرنده و همچنین اطلاع رسانی به مردم از جمله انتشار گزارش‌های دوره‌ای درباره لغزش گاه‌های مالی در مدیریت تشکیلات دولتی را معمول دارند.^۱

در ماده ۴۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، دولت موظف گردیده جهت استقرار جامعه اطلاعاتی و تضمین دسترسی گسترده، امن و ارزان شهروندان به اطلاعات، اقدام‌هایی را انجام دهد. بنابراین با توجه به ضرورت دسترسی مردم به اطلاعات به عنوان یکی از عوامل پیشگیری از فساد تدوین مقرراتی جامع در این خصوص ضروری می‌نماید.

ماده ۱۴۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی، کلبه وزارت خانه‌ها مؤسسات و شرکت‌های دولتی ... (مطابق ماده ۱۶۰ همان قانون) را ملزم به افزایش پاسخ‌گویی دستگاه‌های اجرایی در مقابل مردم با استفاده از فناوری‌های اداری و ارزیابی عملکرد و راهکارهای لازم برای جلوگیری از مفاسد اداری نموده است.

اما به رغم همه مقررات مصوب جهت گزارش دهی و دسترسی به اطلاعات باید تمام تلاش را برای عدم تجاوز به حریم خصوصی اشخاص مبذول داشت^۲، زیرا نمی‌توان به بهانه مبارزه با فساد و شفاف سازی، اطلاعات مرتبط با حریم خصوصی اشخاص را افشا و در دسترس عموم قرار داد زیرا امکان سوء استفاده از آن‌ها به خصوص در جوامع رقابتی امروزی بسیار محتمل است.^۳

ب) پیشگیری‌های مختص بخش عمومی

در کنار اقدامات پیشگیرانه‌ای که در هر یک از بخش‌های عمومی و خصوصی جامعه اعمال می‌گردد، برخی دیگر با توجه به ماهیت بخش عمومی و اهمیت سلامتی دستگاه‌های دولتی و تحت تأثیر قرار نگرفتن آن‌ها در برابر نفوذ اشخاص تأمین کننده مالی در اتخاذ تصمیم‌های دولتی و حکومتی و رعایت آن‌ها در این بخش از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد و در قوانین

۱. ماده ۱۲ مدل مقررات رفتاری برای کارگزاران عمومی مصوب کمیته وزرا شورای اروپا، کارگزاران عمومی را ملزم به گزارش به مقامات صالح قانونی راجع به فعالیت‌هایی که معتقد به غیرقانونی بودن آنها می‌باشند نموده است. مواد ۸ (بند ۴)، ۱۴ کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی، ماده ۷ کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی، توصیه ۱۳ از ۴۰ توصیه گروه اقدام مالی (FATF) نیز هر یک به الزام دولت‌ها مبنی بر برقراری تدابیری جهت گزارش نمودن مفاسد مالی و معاملات مشکوک پرداخته‌اند.

۲. این موضوع در ماده ۲۷ توصیه (۱۰) ۲۰۰۰ کمیته وزراء شورای اروپا مورد توجه واقع شده است.

۳. جهت تداوم ساز و کار گزارش نمودن موارد فساد چه از جانب عموم و چه کارگزاران حکومتی، حمایت از ایشان امری ضروری است. اسناد بین‌المللی دولت‌ها را ملزم به حمایت از گزارش دهندگان و شهود مواردی فساد مالی، از طریق وضع قوانین متناسب نموده‌اند؛ از جمله بند ۳ اصول رهنمودی ۲۰ گانه شورای اروپا برای مبارزه با فساد مالی مصوب ۱۹۹۷، ماده ۹ کنوانسیون حقوق مدنی علیه فساد مصوب ۱۹۹۹ شورای اروپا، ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق جزایی علیه فساد و مصوب ۱۹۹۹ شورای اروپا، ماده ۲۳ کنوانسیون ملل متحد علیه فساد و ...

و مقررات نیز این الزام تنها برای بخش عمومی به وجود آمده است؛ از این رو، در این قسمت، به بررسی این اقدامات پیشگیرانه پرداخته می‌شود.

۱) اعلام دارایی و وضعیت مالی

اعلام و افشای اطلاعات مربوط به دارایی (عمدتاً مالی)، یکی از شیوه‌های پیشگیری از بروز فساد و معیار افزایش میزان پاسخگویی است (رهبر، دکتر فرهاد و دیگران، منبع پیشین، ۱۶۵). هدف این شیوه غیر مستقیم مقابله با فساد ایجاد می‌کند که دولت‌ها، مقامات عمومی که دارایی‌هایشان طی دوره تصدی به شکل نامعقولی افزایش یافته و با توجه به عواید و درآمدهای قانونی شان دلیلی برای چنین افزایشی وجود نداشته است تحت پیگرد و مجازات قرار دهند (پا اتی افوسو-اماه، دبلیو و دیگران، منبع پیشین، ۲۴).

ماده ۸ کنوانسیون ملل متحد علیه فساد نیز بر اعلان دارایی‌های مقامات دولتی تأکید نموده است. در حقوق داخلی، اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی به این مهم پرداخته است و مقرر می‌دارد «دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران، همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق افزایش نیافته باشد». همچنین طبق ماده ۱ «قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۹»: «کلیه وزرا و معاونین و سایر کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری یا شهرداری‌ها یا دستگاه‌های وابسته به آن‌ها و اعضای انجمن‌های شهر و کارمندان مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و هم چنین کلیه کارمندان هر سازمان یا بنگاه یا شرکت یا بانک یا هر مؤسسه دیگر که اکثریت سرمایه یا منافع آن متعلق به دولت یا سایر مؤسسات مذکور است و یا نظارت یا اداره یا مدیریت آن مؤسسات با دولت است و نیز کلیه کسانی که از خزانه دولت یا از مؤسسات مذکور پاداشی دریافت می‌کنند؛ به استثناء بازنشستگان یا کسانی که وظیفه یا مستمری قانونی دارند؛ مکلف هستند صورت دارایی درآمد خود، همسر و فرزندان را که قانوناً تحت ولایت آن‌ها هستند؛ به مراجع صالح تسلیم و رسید دریافت دارند».

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد با وجود کمبودهایی که در اجرای این نوع مقررات وجود دارد باز هم می‌توان تأکید کرد که سیستم افشای وضعیت دارایی می‌تواند به خودی خود عامل بازدارنده مفیدی باشد و به همراه ساز و کارهای اجرایی مؤثر می‌تواند به تلاش کشورها برای کاهش بروز فساد کمک کند (پا اتی افوسو-اماه، دبلیو و دیگران، منبع پیشین، ۴۰۴).

۲) پذیرش و اعلام هدایا

اخذ هدایا توسط مقامات عمومی در برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است، از جمله بند ۵ ماده هشت کنوانسیون ملل متحد علیه فساد و ماده چهار ضمیمه مصوبه مجمع

عمومی ملل متحد راجع به کد رفتاری علیه فساد.

از جمله مواردی که ممکن است نوعی هدیه برای جلب نظر مقامات عمومی تلقی گردد سفرهای پرهزینه خارجی و داخلی می باشد. در ایران مطابق قانون نظارت بر مسافرت‌های خارجی کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۳، هیأتی متشکل از نماینده رئیس جمهور، معاون وزیر اطلاعات، امور خارجه و دستگاه‌های ذیربط مربوطه، دو نفر نمایندگان مجلس به انتخاب مجلس به عنوان ناظر در وزارت امور خارجه تشکیل می گردد که کارکنان دولتی مقرر شده در این قانون می‌بایست مسافرت‌های خارجی خود را جهت رفع هرگونه شبهه، مطابق بخشنامه‌های صادره اعلام نمایند. البته قانون فوق‌الذکر از معیارهای کلی و تفسیربردار استفاده نموده است؛ لذا ضروری است که معیارهایی مانند «ارتباط مستقیم موضوع سفر با شرح وظایف اداری شخص مسافرت کننده» و این که «شخص مناسب تر از مسافرت کننده در رابطه با موضوع سفر در سازمان وجود نداشته باشد» و «عدم امکان پیگیری و یا نظارت و یا انجام موضوع سفر از طرق دیگر غیر از مسافرت و تصریح به علل عدم حصول نتیجه در سفرهای قبلی در صورت تکراری بودن و یا مشابَهت موضوع سفر استناد کرد (همدمی خطبه سرا، ابولفضل، منبع پیشین: ۴۰۴). تا نظارت بیش تری بر سفرهایی که با بودجه و هزینه عمومی انجام می‌گیرد صورت پذیرد. از دیگر هزینه‌ها که می‌توان جزء هدایا محسوب کرد، هزینه‌های مربوط به مهمانی‌ها و پذیرایی‌های بیش از سقف معین مسؤولین دولتی می باشد. مطابق ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی اخذ وجه تحت عنوانین کمیسیون، حق الزحمه پاداش و... در مزایده‌ها و مناقصه‌ها و سایر موارد مطرح ممنوع و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

مقررده دیگر، ماده ۷۱ مکرر الحاقی به قانون محاسبات عمومی کشور (۱۳۶۶) مصوب ۸۰/۱۱/۲۷ می باشد که طبق آن پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۲ آن قانون به دستگاه‌های اجرایی به عنوان کمک یا هدیه به صورت نقدی یا غیر نقدی بجز در مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می‌شود و مبالغی که به دانشگاه‌های دولتی و احداث خوابگاه‌های دانشجویی دولتی، مؤسسات آموزش عالی فرهنگستان‌ها و بنیاد ایران شناسی، طرح‌های تحقیقاتی، جهاد دانشگاهی و حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش و سازمان تربیت بدنی، سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی (ره) و شرکت‌های صنعتی فناوری و تحقیقاتی و اورژانس پروژه‌های بهداشتی و ورزشی روستایی پرداخت می‌گردد، ممنوع است.

ج) پیشگیری وضعی - فنی از جرایم اقتصادی

اخلاق معنوی و اجتماعی که در محدوده پیشگیری اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، برای پیشگیری از همه انواع فساد کافی نیست. اگر صرفاً به کارایی آن در مقابله با فساد

اعتقاد داشته باشیم، کسانی که اخلاقمند هستند نباید مرتکب جرم شوند؛ در حالی که همواره چنین نیست.

۱) پیشگیری از فساد اقتصادی از گذر ساز و کارهای اجرایی

در این قسمت، با توجه به نقش فوق العاده مؤسسات مالی و بانکی در پیشگیری از فساد اقتصادی به ویژه جرایمی مانند تطهیر پول، به این موضوع پرداخته شده است. همچنین با توجه روزافزون به اجرایی نمودن اصل چهل و چهارم قانون اساسی در کشور و در سال‌های اخیر، در یک گفتار به آن پرداخته شده است.

با توجه به این که حجم عظیمی از عواید حاصل از فساد، پول شویی و سایر جرایم اقتصادی از طریق نظام‌های پولی و بانکی به جریان افتاده و به سیستم اقتصادی کشور تزریق می‌شود؛ لذا توجه و عملکرد این گونه دستگاه‌ها به این موضوع می‌تواند عامل پیشگیرانه مهمی محسوب شود. در این راستا سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی تلاش نموده اند تا با مقرر نمودن طرق پیشگیری از طریق این گونه مؤسسات و توصیه به کارگیری آن به کشورها گام مؤثری را در پیشگیری از این جرائم بردارند و جامعه جهانی، نیز در این راستا تا حدی به وحدت اقدام برسد. از جمله نهادی که به طور خاص به این موضوع پرداخته است گروه اقدام مالی علیه پول شویی (FATF) می‌باشد. این ارگان بین‌المللی به طور مداوم و گسترده در زمینه تعیین سیاست‌ها و اقدام‌های ضد تطهیر پول فعالیت نموده و با توصیه‌هایی (۴۰ توصیه) در ۱۹۹۰ بر نقش سیستم مالی تأکید نموده است. نقشی که در این زمینه به مؤسسات مالی داده شده است شامل تعیین هویت مشتری، حفظ و نگهداری اسناد و مدارک و گزارش موارد مشکوک می‌باشد. متعاقب آن سایر سازمان‌ها و نهادهایی بین‌المللی از جمله کمیته بال، قانون نمونه پول شویی ملل متحد و... نیز در طی کنوانسیون‌هایی بر این موارد تأکید نموده‌اند از جمله کنوانسیون‌های آمریکایی و نیز آفریقایی علیه فساد؛ کنوانسیون شورای اروپا راجع به تحقیق ضبط و مصادره اموال ناشی از جرم...، کنوانسیون پالمو و مریدا. در برخی از کشورها افتتاح حساب با نام غیر واقعی جرم محسوب نمی‌شود. این گونه بانک‌ها از اخذ اوراق شناسایی کامل یا گزارش کردن مشکوک به مقامات دولتی خودداری می‌کنند، در حالی که تلاش‌های بین‌المللی در دو دهه اخیر جامعه بین‌الملل را به سمت منع افتتاح چنین حساب‌هایی و تعیین هویت کامل مشتری هدایت و سوق داده اند.

آنچه از مجموع اسناد و مقررات بین‌المللی نمایان می‌باشد؛ این است که هویت مشتریان مؤسسات مالی و بانکی به ویژه مشتریان غیر ثابت باید دقیقاً مشخص شود. در این خصوص علاوه بر تأکید کمیته بال، کنوانسیون پالمو، مریدا و... مبنی بر لزوم احراز هویت مشتری در توصیه فاتف نیز، بر منع افتتاح حساب‌های بی نام و یا جعلی و با هویت موهوم تأکید گردیده است. مطابق قانون نمونه مبارزه با پول شویی؛ چنان چه شخص مشخص نباشد که عنوان اصیل یا نماینده از طرف

خود یا شخص ثالث معامله می نماید؛ مؤسسه مالی و بانکی باید درباره هویت واقعی مالک ذی نفع یا طرف اصلی که مشتری از طرف او معامله می کند اطلاعات کافی کسب نماید و چنان چه بعد از انجام این بررسی درباره هویت واقعی مالک ذی نفع تردیدی باقی بماند، باید رابطه بانکی و مالی با وی قطع گردد. که البته این امر منوط به تصویب بالاترین مقام مؤسسه و یا فردی که به او تفویض اختیار شده یا کمیته تخصصی در این رابطه می باشد. (مصوبه شورای پول و اعتبار: ماده ۶) هر چند که این موضوع نیز متأسفانه در قانون مبارزه با پول شویی مسکوت مانده است. با توجه به پیچیده و مشکل بودن تشخیص معاملات مشکوک به عنوان مهم ترین رکن در اعلام گزارش و لزوم رعایت دقیق قانون، اخذ اطلاعات و نحوه آن؛ مراجع صالح مربوطه می بایست آموزش‌های لازم به این گونه مؤسسات مالی و اعتباری و سایر اشخاص درگیر و موظف به اعلام گزارش در جهت هر چه بهتر اجرا شدن قانون داده شود. این موضوع مورد تأکید کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوطه از جمله به طور کلی در ماده ۲۹ کنوانسیون پارامو و ماده ۶۰ کنوانسیون، قرار گرفته است. در مقررات داخلی نیز بند ۷ ماده ۷ قانون مبارزه با پول شویی و بند ۴ ماده ۷ و ماده ۲۰ مصوبه شورای پول و اعتبار بر این موضوع تأکید نموده اند. بند ۴ ماده ۷ مصوبه فوق‌الذکر، آموزش مطلوب کارکنان را به صراحت جهت پیشگیری از عملیات مشکوک مؤثر دانسته است.

در ماده ۴ قانون مبارزه با پول شویی در ایران، تشکیل شورای عالی پول شویی جهت جمع آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد و مدارک، اطلاعات و ارزیابی گزارش‌های واصله، شناسایی معاملات مشکوک و تهیه سیستم‌های اطلاعاتی، هماهنگ کردن دستگاه‌های ذیربط و... مقرر گردیده است که این شورا به ریاست و مسؤولیت وزیر امور اقتصادی و دارایی و متشکل از وزراء بازرگانی، کشور و رئیس بانک مرکزی خواهد بود.

با توجه به مراتب فوق به نظر می رسد ترکیب اعضای این شورا از یک جهت به لحاظ موقعیت و داشتن قدرت لازم جهت ضمانت اجرای مقررات مناسب می باشد؛ لیکن از سوی دیگر با توجه به ضرورت کارشناسی موارد مربوطه؛ ایجاد هیأت تخصصی در این زمینه ضروری است. علاوه بر آن مسؤولیت وظایف فوق بر دوش اشخاصی که دارای مسؤولیت‌های زیاد و فرصت کم می باشد، مؤثر بودن و نتیجه عملکرد این شورا را با مشکل روبرو می سازد.

۲) ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد

«رقابت به هر شکلی که باشد سبب بهبود عملکرد اقتصاد و افزایش کارایی آن می شود و از آن جایی که دخالت دولت‌ها در فعالیتهای اقتصادی سرچشمه بسیاری از انحصارات زیان آور و موانع ورود بنگاه‌های جدید به بازار و سایر اقدامات ضد رقابتی می باشد؛ هر قدر سهم دولت از درآمد ملی و تسلط آن بر اقتصاد کشور بیش تر باشد؛ بازار از وضعیت رقابتی دورتر

شده و با عدم کارایی بیش تری همراه خواهد بود» (گسترش فساد مالی و اقتصادی و روش های مبارزه با آن، معاونت طرح و بررسی های استراتژیک، گروه بررسی های اقتصادی، انتشارات موسسه تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۱، ج چهارم، ۱۹۳).

ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد یکی از روش های مؤثر کاهش جرایم اقتصادی می باشد. این موضوع تا آن جا اهمیت دارد که در حال حاضر «بیش از یکصد کشور جهان قانون رقابت دارند و سازمان ملل متحد نیز در ۱۹۸۰ مجموعه اصول و قواعدی در زمینه رقابت منتشر و در سال ۲۰۰۰ آن را مورد بازنگری قرار داده است» (گسترش فساد مالی و اقتصادی و روش های مبارزه با آن، معاونت طرح و بررسی های استراتژیک، گروه بررسی های اقتصادی، انتشارات موسسه تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۱، ج چهارم، ۱۹۳).

ایجاد چنین فضای رقابتی مستلزم خصوصی سازی و افزایش فعالیت بخش های خصوصی در چرخه اقتصاد از یک طرف و آزادسازی و کاهش انحصار از طریق کاهش مداخله دولت در امر اقتصاد می باشد. «مطالعات انجام شده حاکی از آن است که هر قدر اقتصاد یک کشور متمرکزتر، پرپیچ و خم تر، بوروکراتیک تر و دولتی تر باشد؛ احتمال بروز مفاسد مالی و اقتصادی در آن بیش تر است» (گسترش فساد مالی و اقتصادی و روش های مبارزه با آن، دفتر مطالعات اقتصاد ایران، موسسه تدبیر اقتصاد، جلد سوم: ۱۳۱). از این رو در این گفتار به طور مختصر به این موضوع پرداخته می شود.

می توان گفت اندیشه اصلی در تفکر خصوصی سازی، حاکم کردن سازوکارهای باز بر تصمیم های اقتصادی می باشد که نتیجه آن ایجاد فضای رقابتی برای بنگاه های خصوصی بوده و از طریق کارآیی بنگاه ها نسبت به بخش عمومی ارتقاء پیدا می کند. «خصوصی سازی یک روند گریزناپذیر بوده و برای خروج از بن بست تمرکزگرایی فسادآمیز، راهی جز خصوصی سازی و کوچک کردن دولت وجود نخواهد داشت. از این رو خصوصی سازی را می توان یک برنامه اصلاحی مقابله با فساد قلمداد نمود» (ریبیعی، علی؛ منبع پیشین، ۴۲).

۳) پیشگیری از فساد اقتصادی در قراردادهای دولتی تأمین کالا

بیش تر نظام های حقوقی، مناقصه را بهترین روش دستیابی به اهداف کلی مقررات تأمین کالا و خدمات عمومی می دانند (پاتی افسو، اماه؛ دبلیو دیگران، منبع پیشین، ۶۰). مناقصه فرآیندی است رقابتی برای تأمین کیفیت مورد نظر (طبق اسناد مناقصه)، که در آن تعهدات موضوع معامله به مناقصه گری که کم ترین قیمت متناسب را پیشنهاد کرده باشد، واگذار می شود (ماده ۲ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳). «منظور از مناقصه دولتی کارآمد نظارتی است که مرتب و منظم، با حداقل دیوانسالاری کار می کند و در عین حال پاسخگوی نیازهای کاربران نهایی کالاها و خدمات هم هست» (پناهی و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۷).

ماده ۹ کنوانسیون ضد فساد سازمان ملل متحد (مریدا) بر روی فرآیند مناسب و شفاف تدارک منابع دولتی متمرکز شده است.^۱ مطابق بند ۱ ماده ۹، کشورهای عضو مکلف اند تا با اصول بنیادین نظام حقوقی خود، برای برقراری نظام‌های مناسب تدارکات که مبتنی بر شفافیت، رقابت و معیارهای عینی در تصمیم‌گیری اند و علاوه بر امور دیگر، در پیشگیری از فساد کارآمد، اقدامات لازم را اتخاذ کنند. به نظر می‌رسد کشور ما برای اعمال مقررات کنوانسیون سازمان ملل در این رابطه راه نه چندان کوتاهی را در پیش دارد. مقررات مربوط به شفافیت سازی این گونه معاملات برای عموم و همچنین استفاده از اهداف و معیارهای از پیش تعیین شده جهت انجام این گونه معاملات باید صراحتاً در قوانین و مقررات مربوطه ذکر گردد. در مجموع باید گفت شفاف سازی در فرآیند مناقصه و سازوکارهای مناسب تقنینی رکن اساسی در پیشگیری از وقوع برخی از جرایم اقتصادی به ویژه فساد اقتصادی می‌باشد که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. شفافیت

از دیدگاه اقتصادی، شفافیت به معنی اطلاع رسانی حقیقی و همه جانبه در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و روشن بودن سازوکارهای حاکم بر روابط اقتصادی یعنی چگونگی تولی و توزیع ثروت در جامعه است (فساد مالی و اقتصادی، ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله، انتشارات موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲، ج ۳، ۱۶). بین شفافیت و پاسخگویی^۲ رابطه مثبتی وجود دارد، به این ترتیب که شفافیت بیش‌تر باعث پاسخگویی بیش‌تر مسئولین در قبال عملکرد خود در برابر مردم خواهد شد و همچنین کارمندان را از برخورد نادرست و تأخیر در انجام درخواست‌ها، باز می‌دارد. در این راستا، ماده ۹ کنوانسیون مریدا دولت‌ها را در اتخاذ اقدامات لازم به منظور ایجاد روش‌های مناسب در انجام خریدهای دولتی بر مبنای شفافیت، رقبت و ضوابط عینی در تصمیم‌گیری جهت جلوگیری موثر از فساد مالی فراخوانده و بر انتشار عمومی اطلاعات مربوط به تشریفات و قراردادهای خرید از جمله اطلاعات مربوط به مناقصه‌های دولتی و اطلاعات ذیربط و یا مربوط به اعطای قراردادها تأکید می‌ورزد.

بند ۳ ماده ۳۳ قانون چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت را مکلف

۱. منشورات مرتبط بین‌المللی عبارتند از:

UNCITRAL Model Law on Procurement of Goods, Construction and Services, with Guide to Enactment (1984) the Procurement Policies and Rules of the European Bank for Reconstruction and Development (August 2000) and the International Monetary Fund Code of Good Practices on Fiscal Transparency (2001) and Guide on Resources Revenue Transparency (2005).

۲. پاسخگویی: عمل مسئول ساختن خود یا افرادی مشخص در قبال وظایف محوله یا به عبارت دیگر، آوردن و دلیل خواستن برای کارهای انجام شده و وظایف انجام نشده است (به نقل از: نگاهی اجمالی به موضوع شفافیت و پاسخگویی در نظام اداری (حکومت)، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۱، ص ۵).

نموده است که با تجهیز دستگاه‌ها و واحدهای مربوطه و با رعایت استانداردها و چارچوب نظام بازرگانی و تجارت الکترونیکی، اقدامات لازم را توسط دستگاه‌های مربوطه برای انجام مناقصه، مزایده و مسابقه‌های خرید و فروش کالا و خدمات و عملیات مالی و اعتباری در محیط رایانه‌ای در شبکه‌های اطلاع رسانی انجام دهد.

همچنین طبق بند الف ۲۳ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳، دولت موظف به ایجاد بانک اطلاعات و پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات و ثبت و نگهداری اطلاعات و اسناد راجع به فراخوان مناقصه، اسناد مناقصه، روش و مراحل ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، صورتحساب و نتایج ارزیابی‌ها و مشخصات و نحوه انتخاب برنده مناقصه را گردیده است. می‌توان گفت این اقدامات که در راستای پیشگیری فنی از جرایم اقتصادی می‌باشند؛ با اطلاع رسانی گسترده و شفافیت در روند برگزاری مناقصات و تهیه کالا و خدمات نقش مؤثری در کاهش این گونه جرایم ایفا می‌کنند.

۲. سازوکارهای قانونی، نقایص و ایرادات

یکی از روش‌های برگزاری مناقصه، مناقصه محدود می‌باشد که در آن به تشخیص و مسؤولیت بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گزار، محدودیت برگزاری مناقصه عمومی با ذکر ادله تأیید می‌شود. فراخوان مناقصه در این روش از طریق ارسال دعوتنامه برای مناقصه‌گران صلاحیت دار، براساس ضوابط مربوط به اطلاع مناقصه‌گران می‌رسد (سند ۱) (ب) ماده ۴ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳). اما در عمل هر سازمان دولتی مناقصه‌های خود را با شرایط خاص خود برگزار می‌کند و معمولاً خریده‌ها از چند تأمین کننده منتخب (که احتمالاً روابط نزدیکی با مقامات دارند) صورت می‌گیرد. بر همین سیاق، مقدار کمی از تأمین کنندگان بالقوه می‌توانند با سازمان‌های دولتی معامله کرده و از فرصت‌های کسب و کار بهره‌مند گردند (دست کم به دلیل بی‌اطلاعی از نیازهای سازمان‌های دولتی محلی).

این وضعیت حتی اگر منتهی به فساد مالی و اقتصادی نگردد، موجب سوء ظن عمومی نسبت به منصفانه بودن فرآیندهای خرید دولتی شده و سطح اطمینان را تنزل می‌دهد (باقری اصل، ۱۳۸۱: ۳۴).

علاوه بر روش برگزاری مناقصه محدود، بندهای ۱ و ۲ ماده هفتاد و نه قانون محاسبات عمومی کشور مواردی را پیش بینی نموده که مناقصه یا مزایده برگزار نمی‌گردد؛ با این توضیح که چنانچه طرف معامله اشخاص، شامل: وزارتخانه، مؤسسه دولتی، شرکت دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات تابعه (که بیش از ۵۰ درصد سهام، یا سرمایه و یا مالکیت آن‌ها متعلق به این مؤسسات و نهادها باشد)، شرکت‌های عمومی تعاونی مصرف و توزیع

کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی (که براساس قوانین و مقررات ناظر بر شرکت‌های تعاونی تشکیل و اداره می‌شدند) و شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع (که تحت نظارت مستقیم دولت تشکیل و اداره می‌گردند)، نیازی به برگزاری مناقصه یا مزایده نمی‌باشد. در صورتی که این قانون به طور کلی بخش خصوصی که دارای شرایط فنی و مالی برابر و یا بالاتر از بخش دولتی و عمومی غیردولتی باشد را از انجام بسیاری از معاملات با دولت محروم می‌نماید و نیز سبب ترغیب و تشویق گسترش بخش دولتی و بخش عمومی غیردولتی شده و برخلاف سیاست‌های کلی نظام مبنی بر کاهش حجم تصدی‌گری دولت و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی است. از این رو لایحه تحت رسیدگی «ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» دامنه این قانون محدود گردیده و ماده هجده لایحه فوق مقرر می‌دارد هر نوع فعالیت اقتصادی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم برای کلیه دستگاه‌های مندرج در قانون که در وظایف و اختیارات قانونی آن‌ها فعالیت‌های اقتصادی پیش‌بینی نشده است؛ ممنوع بوده و موارد استثناء باید به تصویب هیأت وزیران برسد.

از دیگر موارد ترک تشریفات مناقصه طبق ماده بیست و هفت قانون برگزاری مناقصات، موردی است که براساس گزارش توجیهی دستگاه مناقصه‌گزار به تشخیص یک هیأت ۳ نفره شامل معاون مالی و اداری و یا مقام مشابه وزارتخانه یا مؤسسه دولتی حسب مورد و در شرکت‌های دولتی مدیرعامل یا بالاترین مقام اجرایی و ذی‌حساب مرتبط با مقام مشابه و یک نفر دیگر از کارکنان خبره و متعهد دستگاه مربوطه به انتخاب بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذیربط (و در شرکت‌های دولتی حسب مورد به انتخاب مجمع عمومی یا شورای عالی) و در معاملات بزرگ حسب مورد با تأیید وزیر یا رئیس مؤسسه یا هیأت مدیره شرکت انجام مناقصه میسر نباشد. در این مورد نیز به نظر می‌رسد با توجه به ضابطه خاص در ترک مناقصه و بنابراین سلیقه‌ای بودن تصمیم‌گیری‌ها راه برای تبانی با تأمین‌کنندگان کالا و خدمات باز بوده و یکی از نقاط ضعف و در نتیجه بروز فساد خواهد بود.

یکی دیگر از روزه‌های فساد در انعقاد قراردادهای مناقصه، در بخش تأمین هزینه‌های آن می‌باشد. در قراردادهایی که مقطوع نبوده و جهت پرداخت هزینه به تأیید گزارش‌های کاری و برآورد حجم کار نیاز است؛ امکان سوء استفاده‌های فراوانی وجود دارد. از این رو با توجه به هزینه‌های پنهان در مناقصه‌ها، انعقاد قراردادهای مقطوع گامی مهم جهت شفافیت و در نتیجه پیشگیری از این سوء استفاده‌ها و فساد مالی خواهد شد.

«علیرغم این که کلیات برگزاری مناقصه و مزایده‌ها تابع ضوابط و قوانین مشخص است؛ اما توضیح و تشریح جزئیات فنی و مالی مانند اولویت‌بندی نیازها و پروژه‌ها، اعمال محدودیت، مقررات و استانداردهای فنی و مالی، زمان بندی اجرایی، نظارت و کنترل پروژه و سطح کیفی تکنولوژی،

ماشین آلات و تجهیزات مورد استفاده به شدت تحت تأثیر تخصص، تجربه و خواست عامل انسانی قرار داد. از طرفی، تأثیر گذاری در روند تصمیم گیری و انتخاب شرکت های متقاضی پیمان های دولتی یا تغییر در شرایط قرارداد از مهم ترین دلایل تبادل رشوه و فساد مالی محسوب می شود» (بنیایی، ۱۳۸۶: ۲). بنابراین تعیین ضوابط و استانداردهای مشخص در تعیین جزئیات، عاملی مؤثر جهت پیشگیری از فساد مالی به عنوان یکی از مهم ترین جرایم اقتصادی به شمار می رود.

۳. پیشگیری از فساد اقتصادی از گذر ساز و کارهای تقنینی نظارتی

تصویب مقررات مناسب و جامعی جهت پیشگیری از مفاصد اقتصادی به صورت خاص یکی دیگر از اقدامات حیاتی است که همواره باید در برنامه کشورها قرار بگیرد. همان طور که اشاره گردید کنوانسیون مبارزه با فساد ملل متحد و کنوانسیون اروپایی پالمو از جمله اقدامات تقنینی بین المللی در این راستا می باشند.

در نظام تقنینی ایران تاکنون کم تر به این مقوله توجه جدی و اساسی گردیده است هر چند که برخی اقدامات تقنینی در این زمینه انجام گردیده است. از جمله اقدامات تقنینی شایان توجه در این زمینه تصویب آیین نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه های اجرایی مصوب ۱۳۸۵/۹/۱ می باشد. در مقدمه این آیین نامه هدف از تصویب آن را « تأمین اجرای وظایفی که دستگاه های اجرایی به موجب قوانین برای پیشگیری و مبارزه با فساد در نظام اداری برعهده دارند و پیش بینی ساز و کار اداری مناسب برای تسهیل خدمت رسانی به مردم » ذکر نموده است.

ماده دواين آیین نامه مقرر می دارد که کلیه دستگاه های موضوع ماده شانزده آیین نامه (۱)^۱ برای تحقق اهداف این آیین نامه نسبت به انجام موارد ذیل می باید اقدام نمایند:

الف) شفاف سازی مراحل انجام خدمات، اطلاع رسانی مناسب به مردم، اصلاح و کوتاه نمودن روش های انجام خدماتی که به مردم ارایه می گردد، توسعه فناوری اداری، انجام نظرسنجی از مردم و مراجعان براساس دستورالعمل هایی که از طرف سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور صادر می گردد (طرح تکریم مردم و جلب رضایت ارباب رجوع در نظام اداری و مصوبات

۱. منظور دستگاه های مندرج در ماده ۱۶۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی است که عبارتند از: «کلیه وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکت های دولتی موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» و سایر شرکت های که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آن ها منفرداً یا مشترکاً به وزارتخانه ها، مؤسسات دولتی و شرکت های دولتی، به استثنای بانک ها و مؤسسات اعتباری و شرکت های بیمه قانونی، تعلق داشته باشند و همچنین شرکت ها و مؤسسات دولتی که شمول قوانین و مقررات عمومی به آن ها، مستلزم ذکر یا تصریح نام است، از جمله: شرکت ملی نفت ایران و شرکت های تابعه وابسته به وزارت نفت و شرکت های تابعه آن ها، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت های تابعه، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و شرکت های تابعه در موارد مربوط»

مربوطه به اصلاح سیستم‌ها و روش‌های اداری).

(ب) آموزش کارکنان به نحوی که کارکنان ذریبط از مفاد این آیین‌نامه به طور کامل مطلع شده باشند.

(ج) انتخاب بازررس یا بازرسان از طرف وزراء و رؤسای سازمان‌ها، استانداران، مدیران عامل، شرکت‌ها، رؤسای سازمان‌ها، مدیران کل واحدهای استانی برای انجام نظارت‌های لازم به طریق مقتضی و تهیه و ارایه گزارش در حیطه وظایف و مأموریت‌های محوله.

(د) تشویق اشخاصی که تخلفات موضوع ماده (۱) این آیین‌نامه را گزارش نموده و گزارش آنان منجر به صدور حکم قطعی براساس آیین‌نامه شده باشد، مطابق آیین‌نامه ای که به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

(ه) پیش‌بینی حق فسخ برای دستگاه اجرایی در قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور اعمال حق مذکور در مواردی که به تشخیص دستگاه اجرایی طرف قرارداد مرتکب یکی از اعمال بندهای ماده (۱) آیین‌نامه شود.

همچنین درجه سلامت اداری، میزان شیوع رشوه از طریق طبقه بندی، تجزیه و تحلیل نظرسنجی از مردم به موجب ماده (ده) این آیین‌نامه و توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (معاونت مدیریت و برنامه ریزی ریاست جمهوری) انجام می‌گردد.

در ماده ۱۳ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مصوب ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳) به گروه‌های خارج از بخش دولتی مثل جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های جامعه مدار سپرده شده است. دولت‌های عضو متعهد شده‌اند تا در چارچوب امکانات خود و طبق اصول اساسی قوانین داخلی مشارکت نهادهای یاد شده را در جهت پیشگیری و مبارزه با فساد فراهم کنند و آگاهی مردم را در رابطه با علل و ریشه، شدت و تهدید فساد از راه شفافیت و مشارکت مردم را در فرآیند تصمیم‌گیری، تضمین دسترسی مؤثر مردم به اطلاعات، کمک به اطلاع‌رسانی همگانی برای عدم تحمل فساد و برنامه‌های آموزشی مردمی از جمله برنامه‌های درسی و مدارس و دانشگاه‌ها، کمک به گزارش دهی فساد ارتقاء دهند.

۵. پیشگیری از فساد اقتصادی از طریق نظارت‌های سازمانی بر فعالیت‌های مالی

بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون مریدا کشورها را با اتخاذ تدابیر مناسب جهت ایجاد سیستم‌های کنترل‌کننده حسابداری و حسابرسی و نظارت‌های مربوطه در مدیریت و جوه عمومی ترغیب می‌نماید و علاوه بر آن طبق ماده ۱۲، جهت جلوگیری از فساد مالی در بخش خصوصی از کشورهای عضو می‌خواهد تا حصول اطمینان یابند که شرکت‌های خصوصی به تناسب ساختار و حجم خود از اهرم‌های کنترل

حسابرسی داخلی برای جلوگیری و ردیابی سوء استفاده‌های مالی برخوردار بوده و حساب‌ها و صورت حساب‌های مالی شرکت‌های خصوصی مشمول تشریفات حسابرسی و محاسباتی مناسب قرار دارد. همچنین ماده ده کنوانسیون حقوق مدنی علیه فساد شورای اروپا نیز بر اقدامات دولت‌ها جهت حسابرسی دقیق و عادلانه شرکت‌ها (اعم از عمومی و خصوصی) تأکید کرده است. در حال حاضر در ایران تشکیلات و سازمان مستقلی برای ذی حسابی‌ها پیش بینی نگردیده است و از نظر منابع مالی و انسانی مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های خود وابسته به دستگاه‌های اجرایی می‌باشند. در تبصره ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی تصریح شده که ذی حساب باید وظایف خود را زیر نظر رئیس دستگاه اجرایی انجام دهد. این حکم قانون با انجام وظیفه نظارتی مقرر در ماده فوق مغایرت دارد زیرا منطقی نیست که به شکلی جایگاهی هم زیر مجموعه جایگاه دیگری باشد و هم ناظر با جایگاه بالاتر باشد لذا استقلال مقام ناظر شدیداً تضعیف می‌شود.

تبصره ۳۴ قانون برنامه اول توسعه و تبصره ۹۹ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گرچه سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارت اقتصاد و دارایی را موظف به نظارت مستمر بر اجرای عملیات دستگاه‌های اجرایی نموده است؛ لیکن صرفاً به ارائه گزارش مربوط به پیشرفت عملیات و مطابقت آن در زمینه وصول به هدف‌های تعیین شده در برنامه در مقاطع ۶ ماهه به دولت و دیوان محاسبات و کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی بسنده نموده است. «در حالی که اگر هدف نظارت به ویژه نظارت حین اجرا باشد؛ گزارش‌های شش ماهه باعث از دست رفتن بسیاری از فرصت‌های اصلاح امور می‌شود و چنان چه این گزارش‌ها در جزئیات مورد توجه قرار گیرند، اقدام عملی با تأخیر بیش از ۶ ماه از تاریخ بازدید، بسیار دیر خواهد بود» (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۳۳).

استفاده از روش‌های نو و استفاده از فن آوری اطلاعات و «نظارت‌های مستقیم رایانه‌ای، غیر حضوری و مکاتبه‌ای و نیز نظارت‌های غیرمستقیم که توسط افرادی خارج از سازمان‌های نظارتی به وسیله کارکنان و مسئولان دستگاه‌ها صورت می‌گیرد و با اعطای نمایندگی یا گزارش گیری و فرم‌های خود اظهاری به صورت مستمر از دستگاه‌ها امکان پذیر می‌باشد؛ روش‌هایی است که کم‌تر سازمان‌های نظارتی اتخاذ نموده‌اند» (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۳۴).

به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، توجه ویژه به نظارت و کنترل امور سازمان‌ها یا واحدهایی از سازمان‌هایی که بیشتر در معرض ابتلا به فساد اقتصادی هستند باید در مرحله برنامه ریزی برای قابله با جرائم اقتصادی به ویژه فساد مالی و تعیین اولویت‌های کار مورد توجه قرار گیرد. به عنوان نمونه، نظارت بر قراردادهای خارجی، طرح‌های بزرگ، نظام‌های بانکی و مالیاتی و بورس به عنوان اولویت اصلی باید اعلام شود.

«بررسی عملکرد کلی نظام کنترل کشور نشان می‌دهد که به رغم وجود قوانین بالنسبه سفت

و محکم و دارا بودن دستگاه‌های عریض و طویل در نظام کنترل هنوز انسجام لازم در نظام کنترل کشور مشاهده نمی‌شود. کنترل از ارکان اصلی مدیریت است و انواع مختلف آن با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند و برای کنترل مؤثر باید رابطه منطقی بین آن‌ها برقرار کرد» (طرح مطالعاتی تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقاء سلامت در نظام اداری کشور، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۰: ۲۳).

تعدد سازمان‌های نظارتی و عدم تصویب قانون جهت ارتباط قانونمند و سیستمی میان سازمان‌های نظارتی باعث ایجاد فعالیت‌های موازی و ایجاد هزینه‌های زیاد و کم اثر گردیده است. این ناهماهنگی و عدم ارتباط سبب شده است تا حاصل اقدامات و نتایج فعالیت‌های دستگاه‌های نظارتی برای یکدیگر قابل بهره برداری نباشد.

در یک سیستم ارتباطی صحیح نتایج اقدامات نظارتی هر یک از سازمان‌های نظارتی بر اساس یک راهبرد مشخص باید مورد بهره برداری قرار گیرد. با توجه به معضل فوق در بین نهادهای نظارتی؛ تلاش‌هایی از سوی سازمان بازرسی کل کشور جهت تدوین مقرراتی در این خصوص با تشکیل شورای عالی سیاست‌گذاری و هماهنگی‌کننده صورت گرفت که به لحاظ اختلاف در جایگاه و تداخل به نتیجه نرسید و در پی عدم تصویب چنین شورایی؛ بین سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور، سند تعامل و همکاری در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۸۵ تنظیم گردید. با توجه به نبود مقررات قانونی خاص در زمینه همکاری و هماهنگی بین نهادهای نظارتی؛ به نظر می‌رسد ابتکار سازمان بازرسی کل کشور در اقدام فوق در صورت اجرای صحیح آن؛ راهی مفید جهت جلوگیری از تشتت اقدامات تلقی می‌شود.

۲. نقش رسانه‌ها در پیشگیری از فساد اقتصادی

نقش رسانه‌های گروهی در ایجاد و حفظ فضایی در زندگی عمومی که در آن بروز فساد مالی منع می‌گردد فوق العاده مهم و حیاتی است و مطبوعات، رادیو و تلویزیون با اعمال اختیارات عمومی و خصوصی به دقت و به طور مستمر نقش نظارتی بسیار مهمی در این راستا ایفا می‌کنند (Tobias Dahlström, The role of the Media in combating corruption, working paper, Jönköping International Business School, Sweden, 2008).

رابطه مستقیم استقلال رسانه‌ها و فساد اقتصادی همواره در پژوهش‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است (Ades/Di Talla (1997a) in a cross-section sample of 32 countries find empirically) (that education reduces corruption). رسانه‌های مستقل در کنار یک دستگاه قضایی مستقل از عوامل لاینفک کاهش فساد اقتصادی می‌باشند.

افزایش آگاهی عمومی بدون حضور رسانه‌های مستقل و آزاد تأثیری بر کاهش فساد

اقتصادی ندارد بلکه این حضور رسانه‌های مستقل و آزاد است که به نحو چشمگیری باعث کاهش فساد اقتصادی و افزایش آگاهی عمومی می‌گردد (Rudiger Ahrend, Press Freedom, Human Capital and Corruption, London School of Economics working papers, February 2000)

از مهم‌ترین راهکارهای حفظ استقلال و بی‌طرفی رسانه‌ها که می‌تواند به خوبی مورد توجه قرار گیرد واگذاری مالکیت رسانه‌ها به بخش خصوصی و جداسازی آن‌ها از دولت و یا احزاب سیاسی است. در واقع اگر رسانه‌ها به شکل خصوصی و به دور از نظارت‌های دولتی و با استفاده از تجربیات مدیران مستقل و شایسته اداره شوند، هم زمان با حرکت‌های منسجم گروه‌های مخالف در آشکار نمودن خلاف‌های متصدیان دولتی می‌توانند پرده از حمایت غیرقانونی و نمونه‌های سودجویی در تمام بخش‌های جامعه بردارند. اگر پوشش خبری بخش‌هایی از جامعه مستلزم استفاده از منابع دولتی باشد، باید تلاش شود که دولت نتواند با اتکاء به این حربه در ارائه اخبار و اطلاعاتی که به نفعش نیست محدودیت ایجاد نماید (Rudiger Ahrend, Press freedom, Human capital and corruption, working paper, London school of economics, February 2000).

قانون اساسی در اصل بیستم خود و در راستای تجهیز هر چه بهتر و مؤثرتر مطبوعات جهت بیان واقعیات و حقایق، اصل آزادی بیان را به رسمیت شناخته است. در این اصل آمده است؛ نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلامی یا حقوق عمومی باشد، تفصیل آن را قانون معین می‌کند. در خصوص صدا و سیما نیز قانون اساسی در اصل یکصد و هفتاد و پنجم خود عنوان داشته است: در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

در «قانون مطبوعات» در راستای دفاع از حقوق مطبوعات و به موجب مواد سوم و چهارم و پنجم آن اصل آزادی بیان به صورت خاص برای مطبوعات فعال در صحنه رسانه ای کشور به رسمیت شناخته شده است که در نتیجه کمک زیادی به استقلال حرفه ای این قشر از رسانه‌ها می‌نماید.

در قانون برنامه چهارم توسعه و در ماده یکصد و شانزدهم آن نیز دولت مکلف گردیده است به منظور حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار فرهنگی، هنری و امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر، مطبوعات و قلم به بازنگری و اصلاح قوانین مطبوعات و تبلیغات و نظام جامع حقوقی مطبوعات و رسانه‌ها و تبلیغات دست زند. همچنین تهیه لایحه امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر و استقرار نظام صنفی بخش فرهنگ از جمله این تکالیف است.

نتیجه گیری

چنانچه فرهنگ عمومی به سمت رعایت اخلاق و رفتار حرفه ای سوق یابد، قانونگذاری در این زمینه که از اجتماع برخاسته است، مقبولیت عام داشته و خود مردم نیز حافظ آن خواهند بود. ایجاد یک مؤسسه دولتی بی طرف و تخصصی برای تهیه اصول اخلاقی و رفتاری و آموزش و ارایه مشاوره به کارمندان برای حصول اطمینان از درک صحیح آن‌ها نسبت به مسئولیت‌ها و قوانین اخلاقی حاکم بر فعالیت افراد در راستای اصول حرفه ای و شایستگی آن‌ها و ارایه آموزش در مورد مسائلی نظیر نقض حقوق مدنی که اغلب با فساد مالی مسؤولان امنیتی و قضایی همراه است، طراحی نظام نامه دولت به گونه ای که مشوقی برای درستکاری عمومی باشد که این امر باید از طریق ایجاد یک سیاست جامع درستکاری باشد که در آن مدیریت خدمات عمومی براساس شایستگی بنا نهاده می‌شود؛ همچنین ایجاد نظامی برای شناسایی کارکنانی که از درستکاری بالایی برخوردارند یا مؤسساتشان را در اهداف ضد فساد یاری می‌دهند، به کارگیری سازوکارهای مدیریتی برای اجرای هر چه بهتر معیارهای اخلاقی و حرفه ای، ایجاد یک نظام نظارتی دقیق بر روند اتخاذ تصمیمات حساس و نظارت بر کارکنانی که در اتخاذ این گونه تصمیمات دخیل هستند و ایجاد نظامی برای ارائه درک صحیح کاربرد ارزش‌های اخلاقی و معیارهای متعارف رفتاری و ایجاد نظام پاسخگویی برای کنترل فساد اقتصادی ضروری می‌باشد. بنابراین می‌توان با ایجاد بسترهای لازم فرهنگی، اجتماعی، قانونی، اجرایی و نظارتی جهت فراگیر نمودن رعایت اخلاق و رفتار حرفه ای که پیشگیری از جرایم اقتصادی (چه پیشگیری اجتماعی و چه وضعی - فنی حسب مورد، محسوب می‌شود)، گامی مؤثر در کاهش این گونه جرایم برداشت و این امر، درستی فرضیه اول تحقیق را ثابت می‌کند.

از طرف دیگر، خصوصی سازی، آزادی سازی و رقابتی کردن فرآیند تهیه و توزیع کالا و خدمات در رقابتی کردن خدمات دولتی، شفافیت اطلاعات مربوط به ضوابط و مقررات، شفافیت‌های مالی، بهبود سیستم مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی اصلاح مقرراتی که رابطه مستقیم با فساد اقتصادی و تسهیل ارتکاب جرایم اقتصادی دارند، مبارزه با پولشویی از طریق اصلاح نظارت‌های مالی و بانکی به تقویت نظام‌های مدیریت مالی و جهات حسابرسی، نظارت‌های قانونی و عمومی و در نهایت کاهش مداخلات دولت و افزایش نظارت‌های آن ایجاد واحدهای اطلاعات مالی و... از جمله سیاست‌گذاری‌هایی است که باید به صورت همه جانبه جامعه عمل بپوشد.

این اقدامات که نوعی پیشگیری وضعی و یا فنی از ارتکاب جرایم اقتصادی مختلف نظیر پولشویی، فساد مالی، فرارهای مالیاتی و قاچاق می‌باشند، با ایجاد مانع بر سر راه ارتکاب فساد و کاهش ارتکاب این گونه جرائم نقش بسزایی دارند. بنابراین، فرضیه دوم تحقیق نیز تأیید

می‌گردد. اما باید گفت با توجه به این که اغلب افراد در معرض ارتکاب جرایم اقتصادی افراد یقه سفید بوده که در حد بسیار بالایی اجتماعی می‌باشند، و حتی صاحب مشاغل کلیدی در اقتصاد یا سیاست می‌باشند و با نفوذ خود می‌توانند به راحتی مرتکب فساد اقتصادی گردند، صرف پیشگیری اجتماعی و یا ایجاد نظام‌های اخلاقی و رفتاری مانع محکمی برای عدم ارتکاب فساد در برابر آن‌ها محسوب نمی‌شود. این گونه افراد با توجه به موقعیت بالای اجتماعی خود که حتی در صورت ارتکاب فساد نیز در بیش تر موارد حساسیت عمومی را بر نمی‌انگیزد و با استفاده از ضعف نظام‌های نظارتی و حتی تساهل این مراجع در قبال این گونه افراد و عدم ضمانت اجرای قانونی لازم جهت رعایت مجموعه مقررات رفتاری و اخلاقی از جمله ضعف سیستم ثبت دارایی و اموال افراد، مرتکب جرایم اقتصادی می‌گردند. لذا ضروری است که در کنار وجه به پیشگیری از این گونه جرائم از طریق ایجاد مجموعه مقررات اخلاقی و رفتار حرفه‌ای، از طریق کاهش دسترسی به موقعیت‌های جرم‌زا و فرصت‌های ارتکاب جرم و با استفاده از تکنیک‌های قانونی و به عبارت دیگر پیشگیری وضعی-فنی، ارتکاب این گونه جرائم را کاهش داد. پیشگیری واقعی از جرم در چارچوب یک سیاست جنایی راهبردی زمانی مصداق می‌یابد که از یک طرف به کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و از طرف دیگر به هماهنگ سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی و تقویت بنیادهایی که با اثر گذاری در گروه‌های در آستانه خطر به جامعه پذیری فرد کمک می‌کنند، پرداخته شود.

از سوی دیگر نیز می‌توان گفت؛ با توجه به پیچیده بودن جرایم اقتصادی، لزوم نهادی با افراد متخصص و با تجربه در این زمینه که با استقلال کافی و بدون نفوذ از جانب مقامات و اشخاص صاحب قدرت به امر مبارزه و پیشگیری از این گونه جرایم از طریق ارائه راهکارهای قانونی لازم می‌پردازند ضروری به نظر می‌رسد.

کنوانسیون مریدا بر استقلال نهادهای مبارزه با فساد تأکید می‌ورزد تا این گونه نهادها بتوانند به وظایف خود به نحو مؤثر و بدون هیچ گونه اعمال نفوذ ناسوا عمل کنند و البته برای این منظور ایجاد منابع مالی و کادر تخصصی لازم و در صورت نیاز، دوره‌های آموزشی برای کارکنان جهت ایفای مطلوب وظایف خود را از دولت‌ها خواستار گردیده است.

در مجموع می‌توان گفت هر چند در سال‌های اخیر طرح‌ها و لوایحی که نقش پیشگیرانه‌ای در ارتکاب جرایم اقتصادی ایفا می‌کنند؛ نظیر لایحه رسیدگی به دارایی مسؤولان، لایحه ارتقاء سلامت نظام اداری و... مطرح و تحت بررسی می‌باشند و تلاش‌های دیگری نیز با تصویب قانون پولشویی و سیاست‌هایی نظیر اجرایی نمودن اصل چهل و چهارم قانون اساسی صورت پذیرفته است، لیکن بسترهای قانونی لازم با وجود قوانین ناقص و یا معیوب و یا حتی عدم وجود قوانین مؤثر بر پیشگیری از این گونه جرایم و نیز عدم ساز و کارهای دقیق و کارآمد اجرایی و نظارتی

جهت ایفای نقش مؤثر در کاهش جرایم اقتصادی، در کشور وجود ندارد که در این میان اراده عملی و قاطع سیاسی مسئولان مربوطه جهت ایجاد، تقویت و حفظ اصلاحات امری ضروری و اجتناب ناپذیر بوده و در پیشبرد اصلاحات نقش تعیین کننده ای دارد و بدون چنین اراده ای روند اصلاحات به کندی به پیش خواهد رفت و فرصت‌های زیاد دیگری در اختیار مجرمان اقتصادی قرار خواهد گرفت.

منابع و مأخذ:

- احمدی، عبدا... (۱۳۸۵). جرم قاچاق، نشر میزان، چاپ سوم.
- اسحاق زاده، علیرضا (۱۳۸۵). قاچاق کالا، نشر آثار اندیشه، چاپ اول.
- آنسل، مارک. دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۵.
- باقرزاده، دکتر احد (۱۳۸۳). جرایم اقتصادی و پولشویی، انتشارات مجد، چاپ اول.
- بودجه ریزی در ایران، مسائل و چالش‌ها، دفتر مطالعات و برنامه ریزی و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱.
- بانک توسعه آسیا، ترجمه موسسه موج، سیاست‌های ضد فساد در آسیا و اقیانوسیه، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- پاتی افسوس و اما، دلیو. چهارچوب‌های حقوقی مقابله با فساد مالی، ترجمه احمد رنجبر، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴.
- ربیعی، علی. زنده باد فساد: جامعه سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رهر، فرهاد، میرزاوند، فضل ا...، زال پور، علیرضا، بازشناسی عارضه فساد مالی، چاپ اول، ۱۳۸۱، جلد دوم. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل، ترجمه حمید بهره مند بیگ نظر، رهنمودهای تقنینی جهت اجرای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷.
- طرح مطالعاتی تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقاء سلامت در نظام اداری کشور، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۰.
- فراهانی، محمد. جامعه شناسی فساد و امنیت، مطالعه موردی مقوله فساد سیاسی و اقتصادی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، انتشارات پرسمان، ۱۳۸۴.
- فساد مالی و اقتصادی، ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله، انتشارات مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲، جلد ۳. گاتن، آلن. ادله الکترونیکی، ترجمه مصیب رضانی، انتشارات شورای عالی توسعه قضایی، شورای اطلاع رسانی، ۱۳۸۳.
- گسترش فساد مالی و اقتصادی و روش‌های مبارزه با آن، معاونت طرح و بررسی‌های استراتژیک گروه بررسی‌های اقتصادی، انتشارات مؤسسه تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۱، جلد سوم و چهارم.
- کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، شماره ۴۳، بهار و تابستان، ۱۳۸۷.

فاضلی، محمد (۱۳۸۸). مقدمه ای بر سنجش فساد، معاونت پژوهشی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

معدن چیان، ابراهیم (۱۳۸۲). بررسی وضعیت و برنامه ریزی برای مبارزه با فساد اداری در کره جنوبی و تانزانیا، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

معظمی، شهلا (۱۳۸۴). جرم سازمان یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، نشر دادگستر، چاپ اول.

ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۶). حقوق کیفری اقتصادی، نشر میزان، چاپ اول.

همدمی خطبه سرا، ابوالفضل (۱۳۸۳). فساد مالی، علل، زمینه ها و راهبردهای مبارزه با آن، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، حمید بهره مند بگ نظر (مترجم). رهنمودهای تقنینی جهت اجرای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.

مقالات

اردبیلی، دکتر محمد علی. پیشگیری از جرم در حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹.

اردشیری، منصور (۱۳۸۶). خصوصی سازی در آموزش عالی، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۵۵.

آیت اللهی، محمد صادق. پیشگیری از تطهیر درآمدها و سرمایه های نامشروع از طریق اصلاح نظام ثبتی اموال غیر منقول، نشر وفاق، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

بینایی، محمد (۱۳۸۶). کنکاشی پیرامون فساد مالی در قراردادهای دولتی، برگرفته از سایت سازمان بازرسی کل کشور به آدرس اینترنتی: www.gio.ir

پاپ، جرمی. پارلمان و قانون گذاری علیه فساد، ترجمه مسعود فریادی، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۵۲، تابستان ۱۳۸۵.

پناهی، علی و بندری، لیلا. ابعاد اقتصادی مناقصات دولتی و ویژگی های فرایند حاکم بر آن ها، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۸۲.

جزایری، مینا. پولشویی و موسسات مالی، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۲.

محسنی، عباس و اطلاعاتی، رشید، بودجه ریزی در ایران، مسئولیت محاسباتی و نظارت های مالی و عملیاتی، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲.

The global program against corruption, anti corruption toolkit, United Nation office of drugs and crime: third edition, 2003.

New perspectives on economic crime by Hans Sjögren, Göran Skogh, Edward Elga Publishing Ltd, 2004.

Money laundering and the proceeds of crime: economic crime and civil remedies, Mary Michelle Gallant, Edward Elga Publishing Ltd, 2005.

Crime prevention: theory, policy and politics, Daniel Gilling, 1997, Routledge.

Tobias Dahlstrom, The role of the Media in combating corruption, Jönköping International Business School, 2004.

Sunil Sondhi, combating corruption in India; the role of civil society, congress of international political science, 2000.

- www.office-union.org
- www.coe.int
- www.conventions.coe.int
- www.audio.org.ir
- www.gio.ir
- www.iranets.ir
- www.irica-gov.ir
- www.sid.ir
- www.tpo.ir
- www.unpan1-un.org
- usinfo.gov
- www.worldbank.org